

مدیریت اقتصادی کارگزاران از منظر امام علی(ع) در نهج البلاغه

ریحانه محمدیان

چکیده

تلاش برای مبارزه با مفاسد یکی از ضروریات همیشگی جامعه اسلامی برای تعالی و توسعه اقتصادی است. همان طور که در علوی ترین حکومت تاریخ معضل فساد بسیار بوده و وسوسه مال و مقام کسانی را لغزنده است؛ اما امیر المومنین (ع) بلافاصله بعد از به دست گرفتن خلافت تدابیر جدی برای اصلاح آن اندیشیدند. پس احتمال بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم بعید نبوده و نیست فقط باید همه افراد دست در دست هم داده و برای دفع و رفع آن تلاش نمایند. در این بین توجه به راهکارهای حضرت علی (ع) در اصلاح مفاسد اقتصادی می تواند به عنوان الگویی برای تمامی جوامع به خصوص جامعه اسلامی ما مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مهم ترین منابع اسلامی یعنی قرآن کریم و کتاب شریف نهج البلاغه و همچنین کتاب های لغوی و حدیثی شیعه به بررسی این مهم پرداخته است. در این نوشتار بیان شد که اقتصاد از اساسی ترین مسائل حکومت ها و حیات جامعه به شمار می آید و ما در مقام پاسخ به این سوال هستیم که امام علی (ع) برای اصلاح مفاسد اقتصادی در جامعه چه راهکارهایی را اندیشیدند؟ و رفتار اقتصادی آن حضرت چه ثمرات و نتایجی را به دنبال داشت؟ بر اساس نتایج این پژوهش، از بین رفتن فساد، سبب عدالت در جامعه، فقرزدایی و ایجاد امید و اعتماد عمومی مردم به کارگزاران می باشد. کارگزاران اقتصادی نظام اسلامی هم می بایست با تاسی از سیره امیرالمومنین (ع) تنها برای جلب رضایت خدا قدم بردارند. آنها باید به دنبال مهم ترین هدف و آرمان جامعه اسلامی یعنی عدالت بوده و با موانع آن مبارزه نمایند. حضرت علی (ع) با الویت بخشی به مفاسد اقتصادی و انجام اقدامات پیشگیرانه، تاسیس نهادهای نظارتی و اتکاء به گزارش های مردمی به اصلاح مفاسد اقتصادی پرداخت تا اینکه توانست جامعه را به سمت جامعه آرمانی عصر رسول الله باز گرداند.

کلید واژه ها: اقتصاد، مفاسد، مفاسد اقتصادی، کارگزاران، نهج البلاغه

مقدمه

فساد اقتصادی از جمله چالش‌هایی است که بسیاری از جوامع اسلامی و غیر اسلامی با آن مواجه بوده و این پدیده شوم علاوه بر ایجاد ناامیدی در مردم منجر به ایجاد شکاف میان دولت و ملت شده است؛ بدین علت که به بیان رهبر انقلاب «فساد اقتصادی و دیگر مفاسد توده‌چرکین کشورها و نظام‌ها اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است» (خامنه‌ای، 1397: 11) و مانعی بزرگ برای تحقق هدف والای اسلام یعنی عدالت و رفاه اجتماعی است. بنابراین حکومت اسلامی موظف است که به مبارزه با این پدیده که اسباب انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع را فراهم می‌آورد، همت گمارد. حضرت علی که ارزش خلافت را از آب بینی بزی و از لنگه کفش وصله داری هم کمتر میبیند دلیل خود از قبول حکومت برپایی نشانه‌های دین خدا و یاری ستم دیدگان بیان نمودند. (سید رضی، 1414: 189) (نهج البلاغه؛ خطبه 3) نیز حضرت شرط قبول خلافت را در بازسازی اقتصادی و مبارزه پیگیر با مفاسد مالی و کوتاه کردن دست رانت خواران از شبکه اقتصادی در راستای اجرای عدالت و همچنین برگرداندن اموال بیت المال که به غارت رفته حتی اگر به صورت جهیزیه در خانه نو عروسان باشد، بیان می‌کند. (نهج البلاغه، خطبه 15) (ابن شهر آشوب 1379: 99/2 مجلسی 1403: 327/40) به سبب اهمیت این مسئله رهبر معظم انقلاب در بیانی‌هایی که سرنوشت سازترین حوادث و رخداد‌های پیش از انقلاب و پس از آن را بیان نموده‌اند، بر مبارزه جدی با فساد اقتصادی تاکید داشتند؛ بدین سبب که مبارزه با فساد اقتصادی گام بلندی در تحقق عدالت علوی یعنی آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است. ایشان در جلسات و سخنرانی‌های متعدد دولت را مرکز اصلی مبارزه با فساد اقتصادی معرفی (خامنه‌ای، 1382) و از دولتمردان خواستند که وارد میدان عمل شده و با مفسدین برخورد جدی داشته تا امنیت اقتصادی در جامعه تحقق گردد. (خامنه‌ای، 1397: 11). بدین ترتیب تامین امنیت اقتصادی از مهم‌ترین کارکرد دولت هاست که تنها از طریق مدیریت و نظارت دقیق و به‌کارگیری کارگزاران شایسته محقق می‌گردد.

بنابراین بر عهده سطوح بالای حاکمیت و همه‌ی اقشار مردم است که از باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر دست‌به‌دست هم داده، با برنامه‌ریزی و با اراده کامل به مبارزه با فساد به ویژه مفاسد اقتصادی بپردازند؛ زیرا فساد اقتصادی مهم‌ترین عامل تهدید کننده اقتدار ملی و موجودیت هر کشور است که مقبولیت مردمی و اعتماد عمومی در هر جامعه‌ای را تضعیف و سرمایه اجتماعی آن را دچار انقباض می‌کند؛ پس ضرورت دارد که به طور جدی به این مهم پرداخته شود.

مفاهیم

1. اقتصاد

اقتصاد از ریشه قصد به معنای خواستن، رفتن، قصد چیزی یا کسی را داشتن و در اندیشه کاری بودن است. فراهیدی اقتصاد را به معنای میانه‌روی و اعتدال آورده و در این باره گفته است: «الْقصد استقامه الطریقه و الْقصد فی المعیشه الا تسرف ولا تقتیر» (فراهیدی، 1414: 54/5) (جبران مسعود 1376، ج1، ص227) بدین مفهوم که قصد به معنای پایداری در راه است و میانه‌روی در زندگی اقتصادی به این معنا است که نه اسراف داشته باشی و نه سخت‌گیری. امام علی (علیه‌السلام) در سخنی که مؤید معنای اقتصاد است، فرمودند: «ما عال من اقتصد؛ هرکس میانه روی پیشه کند، نیازمند نگردد» (سید رضی، 1414: 494) عمده معانی که برای اقتصاد در کتاب‌های لغوی ذکر شده است، همین معنای میانه‌روی و داشتن اعتدال است (طریحی 1375: 127/3). اما اقتصاد در اصطلاح دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات می‌پردازد (هاشمی رفسنجانی و محققان، 1386: 122/4). به کارگیری صحیح اصول اقتصادی اسباب رشد و پیشرفت یک جامعه را فراهم و توازن اجتماعی را در آن جامعه برقرار می‌سازد. همچنین جامعه را در برابر مسائل و مشکلات اجتماعی و طبیعی، قدرتمند ساخته و شکوه و عظمت آنها را در برابر دیگر جوامع حفظ می‌نماید.

2. فساد

فساد مصدر لازم «فَسَدَ» به معنای تباه شدن، از بین رفتن فتنه و آشوب، تغییر کردن، شرارت و بدکاری (فراهیدی 1414: 231/7) همچنین به معنای جلوگیری از انجام عمل درست و سالم است. (تانزی 1378، ص182) و نیز به معنای شکستن و نقض کردن است، و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات با قواعد اداری باشد. (همان، ص183) بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد (تانزی 1387). تعاریف فساد بسته به رشته و سازو کارهایی که برای توضیح پدیده به کار می‌رود متفاوت است (دادگر 1384، ص51)

راغب اصفهانی در معنای فساد نوشته است: «فساد خارج شدن از حد اعتدال است چه اندک باشد یا بسیار و نقطه مقابل فساد صلاح است. واژه فساد در نفس، بدن و اشیائی که از استقامت و ثبات خارج شده است هم به کار می‌رود.» (راغب اصفهانی، 1374: 55/4)

برای فساد صورت های مختلفی است؛ مهم ترین آن که از عوامل تخریب بنیاد های اقتصادی جامعه به شمار می‌رود فساد اقتصادی است.

3. فساد اقتصادی

فساد اقتصادی پدیده جدیدی نیست. طبق تعریفی که در سال 1993 برای نخستین بار توسط شیلفر و وشیی عنوان شده، فساد اقتصادی عبارت است از استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی. (محنت فر، 1387)

نیز فساد اقتصادی یعنی اینکه کسانی با زرنگی، قانون دانی یا زبان چرب و نرم، با چهره ای حق به جانب به جان بیت المال بیفتند و کیسه های خود را پر کنند. به عبارت خلاصه، فساد اقتصادی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است. دستگاه اداری فاسد حلقه فاسدی را ایجاد میکند که در آن دولت قدرت و توانایی حکومتی خود را از دست می دهد.

رابرت ب. زولیک (Rabert-b. Zoe lick) ریس بانک جهانی فساد اقتصادی را سرطانی میداند که از فقیران می دزدد، و در امور حکومتی و اخلاقی به مصرف می رساند و اعتماد را از بین می برد. (دی پپانزا، 2008)

انواع فساد اقتصادی

فساد اقتصادی خود نیز صورت های مختلفی دارد که می تواند به صورت مخفیانه یا آشکارا صورت بگیرد. از جمله آنها رشوه، اختلاس، کلاهبرداری و ویژه خواری است. (رحیمیان، 1393: 9 و 104/10) این نوع فساد می تواند براساس بی برنامه گی دولت ها، بی نظمی مالی، قوانین ناکارآمد، بی تقوایی و زیاده خواهی برخی از کارگزاران یا عدم کنترل و نظارت صحیح و برخورد به موقع با افراد مفسد صورت بگیرد. (گروه بنیادین حکومتی، 1394: 1) به بیانی دیگر فساد اقتصادی می تواند امنیت سرمایه گذاری را برای سرمایه گزاران داخلی و خارجی به خطر انداخته و تمایل آن ها را نسبت به فعالیت اقتصادی از بین ببرد. امام علی (علیه السلام) درباره نقش کارگزاران و دستگاه حاکمیت در ایجاد این نوع فساد فرمودند: «وَوَلِّمًا يُّؤْتِي خَرَابُ الْأَرْضِ

مِنْ إِعْوَارِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعْوِزُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَسَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ؛ ویرانی زمین تنها به علت فقر صاحبان آن حاصل می‌شود و فقر آنها تنها به سبب توجه زمامداران به جمع مال و زراندوزی و بدگمانی به بقای حکومتشان و کم عبرت گرفتن از سرنوشت زمامداران پیشین خواهد بود» (سید رضی، 436:1414).

عوامل بوجود آمدن فساد در جامعه در نهج البلاغه

یکی از آفت‌ها و بیماری‌هایی که جامعه را تهدید می‌کند و به نابودی می‌کشاند، مفاسد اقتصادی است. عواملی چون ظلم و ستم، جهل و نادانی، مدیریت غیر علمی، تبعیض انواع فسادهای مالی از عوارض مفاسد اقتصادی است که جامعه را به نابودی می‌کشاند. وجود مفاسد اقتصادی را می‌توان در میان صاحب منصبان و کارگزاران حکومتی و همچنین در میان مردم و جامعه ملاحظه کرد. البته میان فساد حکومت و حاکمان و فساد مردم، رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. (خطبه 216) اگر حاکمان، خود فاسد باشند، بنابر اصل «الناس علی دین ملوکهم»، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می‌کنند و اگر مردم فاسد باشند، حاکمان را نیز به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر آنان نیز مقاومت نکنند، با شورش و مقاومت خود حاکمان سالم را از میان بر خواهند داشت و رؤسای فاسد را بر سرکار خواهند نشاند. زمانی که حاکمان فاسد باشند حقوق و آزادی انسان تهدید شده و قراردادهای اقتصادی و اجتماعی غیر قابل پیش‌بینی می‌شود. فساد اقتصادی باعث اتخاذ تصمیمات نادرست از سوی دیوان سالاران می‌شود؛ همچنین با تضعیف انگیزه‌ها، سبب زیان‌های اجتماعی و فرهنگی؛ با تضعیف نمادهای موجود زیان‌های سیاسی؛ و با توزیع ناعادلانه منابع و ضد توسعه بودن؛ سبب زیان‌های اقتصادی شدید می‌شود.

امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه، عوامل به وجود آمدن فساد در جامعه را شناسایی و با راهکارهایی به دنبال اصلاح آن‌ها و از بین بردن فساد در جامعه می‌باشد:

مهمترین عامل فساد اقتصادی از نظر امام علی (علیه السلام)، حاکمان و صاحب منصبان حکومتی نالایق، ستمگر و فاسد می‌باشد. آن حضرت می‌فرماید:

«اندوهناکم که بی‌خردان و تبهکاران این امت، امور آنان را به دست بگیرند و مال خدا را (بین خود) دست به دست بگردانند و بندگان او را (محروم) و برده خود کنند.» (نهج‌البلاغه، نامه 62: 601)

نیز امام علی (علیه السلام) در بخشی از خطبه 131 نهج‌البلاغه می‌فرماید:

یکی از راهکارهایی که امام علی (علیه السلام) برای پیشگیری از فساد مالی مطرح می کند. امام علی (علیه السلام) در تمام ولایات و بلاد اسلامی تحت حکومت خود، عده ایی را به عنوان چشم و گوش خود به کار گماشته بود که گزارش اعمال کارگزاران و عمال حکومتی را به ایشان ارائه می کردند. آن حضرت در بخشی از نامه 53 به مالک اشتر، نظارت بر اعمال کارگزاران حکومتی را به شرح زیر مطرح می فرماید:

«... رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان گمار که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان، سبب امانت داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیک خود سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال در اختیار دارد، از او بازپس گیر. سپس او را خوار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.» (نهج البلاغه، نامه 53: 579)

ج: برخورد قاطع یا اشخاص فاسد و خیانتکار

امام علی (علیه السلام) در نامه (1) خود به عبیدالله ابن عباس، ضمن گلایه و نکوهش او به خیانت در اموال عمومی مسلمین می فرماید: «... پس از خدا بترس و اموال مردم را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذر خواه من باشد و با شمشیری تو را می زنم که به هرکس زدم، وارد دوزخ گردید. به خدا سوگند، اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی، هرگز از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند تا آنکه حق را از آنان بازستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم.» (نهج البلاغه، نامه 41: 547)

همانطور که ملاحظه می شود امام علی (علیه السلام) در احقاق حقوق مردم با هیچ کس حتی نزدیکان خود تعارف و رودربایستی ندارد و برخورد با کارگزاران فاسد را یکی از سیاست های مهم حکومتی خود می داند.

د: گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی

یکی از راهکارهای امام علی (علیه السلام) برای مقابله با زیاده خواهی در بین کارگزاران حکومتی و مردم، گسترش و اشاعه فرهنگ قناعت و سازه زیستی در بین همه مردم و به خصوص صاحب منصبان حکومتی می باشد.

آن حضرت در نامه های متعددی به حاکمان منصوب حکومتی، آن را به ساده زیستی، پرهیز از تجمل گرایی و رعایت زهد و تقوا دعوت می نمود. به عنوان مثال:

شریح ابن الحارث-قاضی کوفه- را از خریدن خانه گران قیمت (از راه های غیر حلال) منع می کند. (نهج البلاغه، نامه 3: 481)

آن حضرت، عثمان بن حنیف انصاری- فرماندار بصره- را از رفتن به میهمانی های تجملی که توسط ثروتمندان انجام شده بود، منع می فرماید و زندگی ساده خویش را به عنوان الگوی ساده زیستی، به مردم بیان می کند. (نهج البلاغه، نامه 45: 553)

در واقع هدف امام از تذکر به والیان بیان این مطلب بود که همنشینی با اصحاب زر و تزویر علاوه بر بی اعتمادی مردم عواقب فراوان دیگری از جمله فراموش نمودن مشکلات جامعه و بی عدالتی به دنبال دارد که در این صورت ضربه های بزرگ بر پیکر اجتماع اسلامی وارد می آید. از منظر علوی یک کارگزار اقتصادی با عملکرد توحیدی خود باید در تصرف مال، قوای جسمی و فکری خود حدودی را که خداوند تعیین نموده، رعایت نماید؛ زیرا در برابر خداوند متعال مسئول است. پس زیبنده است مسئولان نظام اسلامی که به دنبال حکومت پیامبر و امیرالمومنین (علیه السلام) هستند، مسئله ساده زیستی را مورد توجه قرار داده و با روحیه اشرافی گری و شهوت رانی به شدت مقابله نمایند. این می تواند از عوامل بازدارنده آنها به فسادهای اقتصادی باشد.

نتیجه گیری

گلوگاه اقتصادی ، پیچ تندی است که می تواند مقدمات لغزش هر کارگزاری را فراهم کند و خیانت در بیت المال را به همراه داشته باشد. به همین دلیل است که امام در امور بیت المال سخت گیری کرده و مدیران اقتصادی را زیر ذره بین نظارتی خود می گیرد و بر این نظر است که مدیران اقتصادی باید علاوه بر داشتن شرایط عمومی ، از شرایط خاصی همچون: رعایت انصاف و حرکت بر مسیر شکیبایی در فراهم ساختن نیازهای مادی مردم، عدم تعرض و عدم فروش اموال مردم برای اخذ مالیات، عدم دست درازی به مال مردم به هر عذر و بهانه ای، خودسازی و پروا پیشگی در راستای عدم توجه به خواسته های نامشروع نفسانی و اقتصادی و بی اعتنائی به دنیا و زخارف دنیا که "راس کل خطیئه حب الدنيا" اصل مسلمی است که امام علی هر لحظه در نظارتی دقیق بر کارگزاران اقتصادی، آن را به تذکر می آید و در نامه ای به زیاد بن ابیه، او را با تهدید هشدار می دهد که مبادا در بیت المال خیانت کند که برایش مجازات سختی را به دنبال خواهد داشت. در ضمن او را به میانه روی در امور اقتصادی و عدم اسراف فرا می خواند امام علی هم در قالب موازین ترهیبی و تعزیری و هم در غالب مواظظ اخلاقی و ترغیبی، به دنبال ارائه حکومتی منزه و به دور از مظاهر فساد در خدمت رسانی به مردم می باشد.

منابع

الف) کتاب ها

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- سید رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، بیتا.
- _____، نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ 32، تهران، 1384 ش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، سخنان و نامه ها و حکمتهای امیرالمومنین امام علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی جعفری، چاپ چهارم، تهران، 1389 ش، ذکر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، 1379 ق، مناقب آل ابیطالب، قم، علامه
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، 1409 ق، قم، هجرت.
- مجلسی، محمدباقر، 1403 ق، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.
- تانزی، ویتو(1387)، " مسئله فساد، فعالیت های دولتی و بازار آزاد "، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره های 149 و 150، بهمن و اسفند.
- محنت فر، یوسف (1387)، فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی، صص 3، 4، 16.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات و الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی، 1374 ش، تهران، مرتضوی.
- جبران مسعود، 1376، الرائد، مترجم رضا اترابی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- خامنه ای، سید علی، 1368 ش، علی و صلح جهانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دادگر، حسن، 1383 ش، فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد سعید بن هلال، الغارات، محقق: عبدالزهره حسینی، 1410 ش، قم، دارالکتاب اسلامی.

- حسینی خامنه ای، سیدعلی، سایه سار ولایت (منشورات مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)، 1388 ش، قم، دفتر نشر معارف.

- حسینی خامنه ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، 1398 ش.

- گروه بنیاد حکومتی، درآمدی بر مسئله فساد، 1394 ش، مرکز پژوهش های شورای اسلامی.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، 1386 ش، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.

- رحیمیان، نرگس، بررسی فساد اقتصادی و راه های مبارزه با آن، مجله اقتصادی، شماره 9 و 10، 1393 ش.

- حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ترجمه احمدآرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.